

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیر خسرو دهلوی و روضه‌الانوار خواجوی کرمانی

دکتر هاشم محمدی*

سودابه بخشایی**

چکیده

از میان مقلدان نظامی، ابتدا امیرخسرو دهلوی است که مطلع‌الانوار را سروده و پس از آن خواجوی کرمانی روضه‌الانوار را به رشته تحریر در آورده است. این دو مثنوی اخلاقی-عرفانی که به پیروی از مخزن‌الاسرار سروده شده‌اند، هر چند در ساختار و محتوا شباهت‌ها و همانندی‌های قابل ملاحظه‌ای دارند، اما تمایزاتی نیز در بافت ادبی آن‌ها به چشم می‌خورد. در این پژوهش به منظور آشنایی بیشتر با این دو منظومه و شناخت زیبایی‌ها و امتیازات هر کدام، به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی و وجوه افتراق آنها پرداخته شده است.

مهم‌ترین تفاوت‌های موجود در ساختار ادبی این دو اثر به شرح زیر است:

۱- از آنجا که خواجو تشبیهات و استعارات مورد استفاده را با دامنه‌ای وسیع و شیوه‌ای متفاوت بیان نموده، لذا تنوع و گسترش ابزار بیانی و صور خیال در روضه‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار می‌باشد.

۲- نوآوری و خلاقیت خواجو در کاربرد صنایع بدیعی معنوی، به ویژه ایهام تناسب، تناقض (پارادوکس)، تلمیح و تنسیق الصفات، سبب استواری و انسجام بافت ادبی روضه‌الانوار شده است.
۳- استفاده از تمثیل یا ارسال مثل در مطلع‌الانوار فهم اشعار این منظومه را آسان‌تر و دل‌نشین‌تر ساخته است.

واژه‌های کلیدی

مطلع‌الانوار، روضه‌الانوار، ابزار بیانی، صنایع بدیع معنوی

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، گچساران.

** کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی شهرستان گچساران.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

مقدمه

مهارت نظامی گنجوی در سرودن منظومه‌ها، سبب شد که سیل انبوهی از شاعران به پیروی از وی به سرودن آثار مشابه روی آورند. از میان مقلدان نظامی، ابتدا امیر خسرو دهلوی است که مطلع‌الانوار را به سال (۶۹۸ ق) در ۳۰۱۰ بیت سروده و پس از آن، خواجوی کرمانی روضه‌الانوار را به سال (۷۴۳ ق) حدود ۲۰۲۰ بیت به رشته تحریر در آورده است.

این دو مثنوی عرفانی- اخلاقی، که به پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی سروده شده‌اند در ساختار کلی، محتوا و موضوعات، از جهات گوناگون، با یکدیگر شباهت فراوانی دارند؛ از وجوه اشتراک آنها به طور خلاصه می‌توان گفت که هر دو مثنوی، بر وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن یا فاعلان (بحر سریع مسدس مطوی مکشوف یا موقوف) می‌باشد که همان وزن و بحر عروضی مخزن‌الاسرار است. این دو منظومه پس از ذکر مقدماتی در توحید و نعت پیامبر، دارای بیست مقاله هستند و هر مقاله نیز حکایتی مناسب را در پی دارد. هر دو شاعر به موضوعاتی چون: درجه آدمی، ترک دنیا و ماسوی‌الله، مذمت نفس و اندرز پادشاهان می‌پردازند و توجه آنها بیشتر به معارف عالی بشری و هدایت انسان به سوی توحید و رستگاری است.

در ساختار زبانی هم‌چون ویژگی‌های آوایی، لغوی، نحوی و ساختار ادبی از قبیل ابزار بیانی و صنایع بدیع معنوی، نکات مشترک و مشابهی نیز وجود دارد که ذکر تک‌تک آنها از حوصله این گفتار خارج است، اما در بین همه این تشابهات، ویژگی‌های ادبی خاصی در این دو منظومه به کار رفته که باعث ایجاد تمایز بین آنها شده است؛ به عنوان مثال: در کاربرد برخی از انواع تشبیه و استعاره، ایهام تناسب، تناقض (پارادوکس)، تلمیح، تمثیل و موارد دیگری که به آنها اشاره خواهد شد، اختلافات چشم‌گیری (به لحاظ نوع و بسامد) دیده می‌شود که بررسی این اختلافات نه تنها ما را با این دو منظومه بیشتر آشنا می‌سازد بلکه، سبب شناخت امتیازات هر دو اثر نیز خواهد شد. به همین منظور با توجه به این که تاکنون هیچ مقایسه‌ای از این دیدگاه بین این دو منظومه صورت نگرفته است، در این پژوهش به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی و وجوه افتراق آنها در مثنوی‌های روضه‌الانوار و مطلع‌الانوار پرداخته می‌شود؛ بدین ترتیب که ابتدا ابزار بیانی، سپس صنایع بدیع معنوی و نحوه کاربرد آنها در این دو مثنوی ذکر می‌گردد. کلیه ابیات

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۳

ذکر شده در این نوشته از خمسه خواجوی کرمانی به تصحیح سعید نیاز کرمانی، چاپ اول (۱۳۷۰)، و خمسه امیرخسرو دهلوی، مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی، چاپ اول (۱۳۶۲)، نقل شده است.

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار و روضه‌الانوار

الف) ابزار بیانی (مسایل علم بیان)

تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، ابزارهای خیال‌انگیزی هستند که مسایل علم بیان محسوب می‌شوند. «با علم بیان می‌توان والایی و استواری یا فرودستی و خامی آثار ادبی را سنجید، میزان نوآوری و تقلید را اندازه گرفت و کلاً به بسیاری از مسایل ادبی به صورت دقیقی پاسخ داد.» (رک. شمیسا، الف، ۱۳۷۹، ص ۱۷)

این عناصر خیال‌انگیز با دامنه‌ای بسیار وسیع در مطلع‌الانوار و روضه‌الانوار به کار رفته است، اما با بررسی و مطالعه اشعار این دو مثنوی، تفاوت‌هایی در کاربرد تشبیه و استعاره مشاهده می‌شود که به آنها اشاره می‌کنیم:

تشبیه

خواجو و امیر خسرو از انواع مختلف تشبیه از جمله: تشبیهات حسی، عقلی، مفرد، مرکب، بلیغ، تفضیل، مطلق و ... استفاده کرده‌اند، اما تشبیهاتی هم‌چون تشبیه ملفوف، تشبیه مفروق و تشبیه جمع در روضه‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار به کار رفته است؛ مثال:

تشبیه ملفوف: در این نوع تشبیه «چند مشبّه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شده، سپس مشبّه‌به‌های هر کدام گفته می‌شود. این‌گونه تشبیه مبتنی بر صنعت لفّ و نشر است» (همان، ص ۴۷)

بلبل و گل و امق و عذرا شده شاخ و سمن مهد و مسیحا شده

(روضه‌الانوار، ص ۱۶)

تشبیه بلبل به وامق، گل به عذرا شاخ به مهد، سمن به مسیحا

شام و سحر ظلمت و نور تواند جان و خرد روضه و حور تواند

(همان، ص ۲۷)

تشبیه شام به ظلمت، سحر به نور، جان به روضه و خرد به حور.

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

۴ بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ...

صبح که باشد که از او دم زنند؟ شام چه باشد که حدیثش کنند؟
مشرقی سرد جواهر فروش مغربی تیره‌رخ درد نوش
(همان، ص ۴۷)

تشبیه صبح به مشرقی سرد جواهرفروش و شام به مغربی تیره‌رخ درد نوش. این تشبیه از نوع مفرد به مرکب است.

عقل و حیا جان و دل عالمند مشعله‌افروز ره آدمند
آن چه بود؟ مرهم آزار تو وین چه بود؟ شحنه بازار تو
(همان، ص ۵۸)

در بیت اول: تشبیه عقل به جان؛ حیا به دل عالم و در بیت دوم: تشبیه عقل به مرهم آزار تو؛ حیا به شحنه بازار تو.

عقل در این مرحله دانی که چیست؟ شرم در این مرحله دانی که چیست؟
آن قمر برج جلال آمده وین گهر درج کمال آمده
آن بودت در شب تاری دلیل وین شودت از ره یاری سیل
(همان، ص ۵۹)

این نوع تشبیه در مطلع‌الانوار فقط یک بار به کار رفته است:

بند و گشاد و گل و غنچه به سیم همچو دل مدخل و دست کریم
(مطلع‌الانوار: ص ۳۶)

تشبیه باز بودن گل به دست کریم و بسته بودن غنچه به دل مدخل. این نوع تشبیه مبتنی بر صنعت لفّ و نشر مشوئش است.

تشبیه مفروق

«در این نوع تشبیه چند مشبّه و مشبّه به داریم و هر مشبّه با مشبّه به خود همراه است.» (همان، ص ۴۸)

خواجو:

طرف چمن بین چو بهشت برین برگ سمن بین چو رخ حور عین
(روضه‌الانوار، ص ۸۷)
دستگهم بین چو کف صوفیان قامت من چون الف کوفیان

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۵

- (همان، ص ۵۴)
هست خرد، رهبر راه صواب هست حیا، دیو خطا را شهاب
- (همان، ص ۶۱)
عشق، بهشت است و روان حور او مهر، چراغ است و جهان نور او
- (همان، ص ۴۴)
ما همه برجیم و سخن، آفتاب ما همه در جیم و سخن، لعل ناب
- (همان، ص ۱۹)
ترک، زه طاقیه شاهی است درک، مه خرگه آگاهی است
- (همان، ص ۸۹)
روضه معنی است بهشت و تو حور عالم صورت ظلمات و تو نور
- (همان، ص ۲۵)
اشک روان، لاله خود روی ماست مرغ زبان، بلبل خوش گوی ماست
دیده ما حقه گوهر فروش منطق ما طوطی شکر فروش
سینه ما مخزن اسرار اوست دیده ما روضه انوار اوست
- (همان، ص ۴۰)

امیرخسرو:

- نرخ سخن کرد نشاید به مال زانک سخن، جان بود و زر سفال
(مطلع‌الانوار، ص ۵۲)

در مصراع دوم تشبیه سخن به جان و زر به سفال.

- پیکری از کوب محن چون خیال قامتی از سلخ فلک چون هلال
(همان، ص ۷۴)
نکبت گیسو چو نسیم سحر رنگ بناگوش چو نسیم تر
(همان، ص ۱۱۹)

تشبیه جمع:

«برای یک مشبه، چند مشبه می‌آورند»؛ (همان) مثال:

- چهره خواجه که ز عالم بری است کان زر و کارگه زرگری است
(روضه‌الانوار، ص ۸۶)

تشبیه چهره خواجه به کان زر و کارگاه زرگری.

❑ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

در مقاله دوازدهم، در بیان عقل و حیا (شرم)، صص ۶۰ - ۵۸، مشبّه به‌های متعددی برای هر کدام عنوان شده است که ذکر همه آنها امکان‌پذیر نیست، به عنوان مثال برای عقل بیش از ۳۰ مشبّه به که اغلب به صورت مرکب می‌باشند، در تشبیه به کار رفته و برای شرم نیز بیش از بیست مورد مشبّه به ذکر شده است؛ در این جا فقط چند مورد را به عنوان شاهد نقل می‌کنیم:

خواجو:

| | |
|-------------------------|--------------------------|
| عقل نگر گلشن دل را نهال | چشمه حیوان روان را زلال |
| ناصرب رایات هدایت شده | شارح آیات عنایت شده |
| رایحه روضه روحانیان | واسطه حکمت یونانیان |
| لاله رخ پرده نشین دماغ | غنچه نمای گل پیروز باغ |
| قند فروش شکرستان جان | و آینه طوطی خوش خوان جان |
| موید آتشکده هفت شاه | پیر عبادتگه شش خانقاه |

(همان، صص ۵۹-۶۰)

و در تشبیه شرم چنین آمده است:

| | |
|---------------------------|-------------------------|
| شرم ببین، ماه خطا را نقاب | چشمه خورشید هوا را سحاب |
| پردگی پرده مستان چشم | توبه ده باده پرستان چشم |
| صف شکن قلب مناهی شده | راه زن خیل ملاحی شده |
| محتسب کوی ملامت شده | نایب سلطان سلامت شده |

(همان، ص ۶۰)

در ابیات ذکر شده، نوعی تشخیص یا جان‌بخشی نیز به کار رفته است.

امیر خسرو:

| | |
|------------------------|---------------------------|
| صف سپاه تو به روز مصاف | هم سد اسکندر و هم کوه قاف |
|------------------------|---------------------------|

(مطلع‌الانوار، ص ۲۷)

| | |
|--------------------------|-------------------------|
| صوت که دندان کشد در فغان | اره دل باشد و سوهان جان |
|--------------------------|-------------------------|

(همان، ص ۵۲)

| | |
|------------------------------|-------------------------|
| شه که نه بر تخت به تمکین بود | شیر نمده رویه پشمین بود |
|------------------------------|-------------------------|

(همان، ص ۱۰۰)

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| سوخت ز تو مادر فرتوت پیر | آن که بهشت تو شد و جوی شیر |
|--------------------------|----------------------------|

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۷

(همان، ص ۸۷)

تشبیهات خواجه که بیشتر از نوع مرکب هستند، به شیوه‌ای خاص بیان شده است، گاهی چند تشبیه را که غالباً اضافات تشبیهی هستند با تلمیح و تناسب در هم گره زده و به صورت شبکه‌ای از آرایه‌های ادبی در یک بیت عنوان می‌کند؛

مثال:

هدهد جان، مرغ سلیمان او طوطی دل، بلبل دستان او
(روضه‌الانوار، ص ۲)

در نعت پیامبر آورده است:

حلقه زن درگه مهرش هلال هندوی گیسوی سیاهش بلال
همیشه کش مطبخ فضلش خلیل مرغ حریم حرمش جبرئیل
گوهر جان، طرف کمر بند او طوطی دل، صید شکرخند او
عترت او نیرۀ برج شرع در حدیثش گهر درج شرع
مهجۀ خرگاه جمال تو مهر حلقه درگاه جلالت سپهر

(همان، ص ۶)

دودکش مطبخ جودت سپهر شمسۀ ایوان رفیع تو مهر

(همان، ص ۹)

این‌گونه تشبیهات در روضه‌الانوار کاربرد فراوان دارد از جمله صفحه ۶ ابیات ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۰۳، ۷، ابیات ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۵۷، ۱۰، ابیات ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱، ص ۲۳، بیت ۴۶۳، ص ۲۷ بیت ۵۵۰، ص ۹۵، بیت ۱۹۸۳، ص ۵۹-۶۰، ابیات ۱۲۰۴، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۱، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳ و ...

در مطلع‌الانوار درصد این نوع تشبیهات قابل توجه نمی‌باشد.

استعاره

استعاره نیز هم‌چون تشبیه در هر دو مثنوی کاربرد فراوان دارد، با این تفاوت که استعاره مصرّحه مجرد در روضه‌الانوار بیشتر به کار رفته است؛

استعاره مصرّحه مجرد

فرمول آن: «مشبّه به + ملائمت (صفات) مشبّه»؛ (همان، ص ۵۸) مثال:

❑ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

خواجو:

خسرو مشرق چو علم برکشید باده لعل از قلدح زر کشید
(روضه‌الانوار، ص ۱۴)

خسرو مشرق استعاره از خورشید، خسرو: مشبّه به، مشرق: محل طلوع خورشید که از
ملائمات مشبّه (خورشید) است. باده لعل نیز استعاره از شفق است که به رنگ قرمز است.

گنبد شش روزن پیروزه خشت گشته دل افروز چو باغ بهشت
(همان)

مصراع اول، استعاره از آسمان است. گنبد: مشبّه به، شش روزن (شش جهت) و رنگ
پیروزه‌ای از ملائمات آسمان (مشبّه) است.

خاک در این مرتع خاکی میبیز دانه در این مزرع خاکی مریز
(همان، ص ۳۳)

در این بیت مرتع خاکی و مزرع خاکی، هر دو استعاره از زمین (این دنیا) یا دنیای خاکی
است.

مرتع و مزرع مشبّه به و خاکی از ملائمات زمین است.

استعارات متعدد دیگری به همین گونه در روضه‌الانوار به کار رفته است که پاره‌ای از آنها را
به صورت خلاصه ذکر می‌کنیم:

می‌زد و از دیده گهر می‌فشاند (ص ۵۴)، گهر استعاره از اشک (مشبّه به)، دیده از ملائمات
اشک (مشبّه) است.

استعاره برای آسمان یا فلک:

چنبر پیروزه، پرده پیروزه (ص ۵)، هفت خم لاجورد (ص ۲۵)، خطّه نه گوی (ص ۲۳)
چرخ معلق (ص ۴۸)، باغچه چنبری (ص ۲۳)، جوسق نیلی (ص ۴۶)...

استعاره برای زمین یا به طور کلی «دنیای خاکی»:

صحن مطبّق، فرش مطبّق (ص ۴۸)، مرکز خاکی (ص ۶۴)، رامگه شش در (ص ۲۷).....
امیر خسرو:

خلوتی شرق بر آمد ز دور بر کتف انداخت مصلاى نور
(مطلع‌الانوار، ص ۳۵)

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۹

خلوتی شرق: استعاره از خورشید، خلوتی (مشبه به)، خورشید (مشبه) شرق و نور از ملائمت خورشید و طلوع آن.

کیست که از این دایره لاجورد دستگهی یافت که پا گم نکرد
(همان، ص ۸۳)

دایره لاجورد استعاره از آسمان؛ دایره (مشبه به)، لاجورد از ملائمت یا رنگ آسمان (مشبه).

در حکایت پیر صاحب نظر و جوان تعبیه‌گر آمده است:

سرو خرامنده چو بگذشت مست مستی او توبه صوفی شکست
(همان، ص ۱۲۲)

سرو خرامنده: استعاره از جوان تعبیه‌گر؛ سرو (مشبه به)، خرامنده و مستی از صفات مشبه (جوان).

ب) صنایع بدیع معنوی

هر دو شاعر از صنایعی چون تضاد، جمع، التفات، حسن تعلیل، تلمیح، و تناسب و... به نسبت فراوان استفاده کرده‌اند. تلمیحات آنها بیشتر اشاره به آیات قرآن، احادیث، داستان‌های قرآنی، مذهبی و تاریخی است و پاره‌ای از آیات و احادیث در هر دو منظومه مشترک هستند، اما خواجه علاوه بر این تلمیحات، به داستان‌ها و شخصیت‌های اساطیری، هم چون جمشید (جم) فریدون، ضحاک، رستم، زال، سیاوش و داستان‌های شیرین و فرهاد، ویس و رامین نیز اشاره کرده است. وی آرایه‌های ایهام تناسب، تناقض، تنسیق‌الصفات را نیز بیشتر از امیر خسرو به کار برده است که نمونه‌هایی از آنها نقل می‌کنیم.

تلمیح

قصه فرهاد ز شیرین پیرس حسن رخ ویسه ز رامین پیرس
(روضه‌الانوار، ص ۹۲)

قطب فلک قدر کواکب حشم آصف جم، جام فریدون علم
(همان، ص ۹)

رمح تو گشت ارقم ضحاک سوز خشم تو شد آتش افلاک سوز
(همان، ص ۱۰)

خاتم جمشید (صص ۳ و ۴۹)، سیاوش، پیران، گنج فریدون (ص ۶۵)، ملکت جمشیدی (ص

❖ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

۶۲)، جام جم (ص ۳۲)، شیرین و فرهاد، شاپور و شب‌دیز (ص ۳۳)، وامق و عذرا (صص ۱۶ و ۵۵)، گشتاسب، داستان، سام، بیژن، تهمتن، پورنریمان، رهام، فرامرز تهمتن (ص ۶۲).

ایهام تناسب

خواجو در مواضع مختلف با اصطلاحات رایج در شطرنج، اصطلاحات موسیقی و لغات و ترکیبات دیگر، ایهام تناسب ساخته است؛

در نعت پیامبر (ص) گفته است:

شاه فلک پیش رخت گشت مات چشمه حیوان شده آب از حیات

(روضه‌الانوار، ص ۷)

ایهام در واژه‌های: شاه، رخ، مات. شاه فلک، استعاره از خورشید، رخ: چهره پیامبر (ص)، مات: تیره. شاه، رخ و مات از اصطلاحات شطرنج نیز هستند، و با هم تناسب دارند، اما مفهوم اول بیشتر مورد نظر شاعر است.

گرچه شود رخ به معاصی سیاه لیک بر این عرصه چه فرزین چه شاه

(همان، ص ۷۵)

ایهام در واژه رخ (چهره). رخ، فرزین، شاه نیز با هم تناسب دارند.

آه دل سوخته ساز من است راه نهاوند حجاز من است

(همان، ص ۲۹)

در ابیات بالا ایهام در واژه‌های نهاوند و حجاز است؛ نهاوند نام شهری است در استان همدان و حجاز نیز سرزمین حجاز (مکه) است، ساز، راه، نهاوند و حجاز از اصطلاحات رایج در موسیقی (رک. حدادی، ۱۳۷۶، ذیل اصطلاحات مورد نظر) هستند که با هم تناسب دارند.

چون فلک از راه حجازم براند دور مخالف به عراقم رساند

(همان، ص ۷۵)

در این بیت نیز ایهام در واژه‌های حجاز، مخالف و عراق است که در معنای موسیقی تناسب دارند.

ساخته‌ام ساز مخالف بسی چند زخم راه دل هر کسی

(همان، ص ۵۳)

ایهام در ساز مخالف: هم به معنی مخالفت کردن است و هم با ساز و راه، تناسب دارد.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۱۱

گر به شکار آمده‌ای باز گرد همدم مرغان جهان باز گرد
(همان، ص ۵۵)

ایهام در «بازگرد»: در مصراع اول از طرفی به معنی فعل «بازگشتن» و از طرفی دیگر نیز با کلمه شکار و مرغان، می‌تواند به معنی باز (پرنده شکاری) و «گرد» فعل گشتن یا شدن باشد. اگر به معنی پرنده شکاری باشد با «بازگرد» در مصراع دوم، جناس تام است.

امیرخسرو:

هر چه کس الفخته به بازو کند طعمه شاهین ترازو کند
(مطلع‌الانوار، ص ۱۰۶)

ایهام در شاهین و تناسب با طعمه و ترازو:

از یک سو شاهین به معنی زبانه ترازو است و از سوی دیگر، نام پرنده شکاری است که با طعمه و شکار نیز تناسب دارد.

مطالعات انجام شده در باره خواجه و امیرخسرو حاکی از آن است که هر دو شاعر با موسیقی علمی و عملی کاملاً آشنا و مسلط بوده‌اند. به ویژه امیرخسرو که مخترع انواع آهنگ‌ها، آوازاها و آلات موسیقی به خصوص موسیقی ایرانی - هندی بوده و به عنوان یک موسیقی‌دان به بالاترین مقام دست یافته بود.^۲ اما با این حال امیرخسرو بر خلاف خواجه، اصطلاحات موسیقی را در مطلع‌الانوار بسیار کمتر به کار برده است. فقط در صنعت تناسب یا مراعات‌النظیر به صورت «مطرب، زخمه، پرده، ص ۳۸».

تناقض (پارادوکس)

تعریف: «تناقض در لغت یعنی ضدّ و نقیض بودن، مخالف بودن چیزی با چیزی و در کلام آن است که قسمتی قسمت دیگر را باطل کند.»^۳

شفیعی کدکنی پارادوکس یا بیان نقیضی یا تصویر پارادوکسی را از نمونه‌های نوآیین و

۱- درباره خواجه و موسیقی رجوع شود به: ۱- گلسرخي، ۱۳۷۹، جلد دوم، ص ۱۰۱۱. ۲- جوزی ۱۳۸۳، صص ۳۳-۴۰.

۲- رک. ۱- سالاری ۱۳۸۰. ۲- صباح‌الدین، عبدالرحمن، بی‌تا، نشریه نامه پارسی، شماره ۴.

۳- رک. عمید، ۱۳۶۰، ذیل تناقض.

❑ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

خلاق تضاد دانسته و می‌گوید: «پارادوکس را باید در حوزه تضاد به شمار آورد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰۸)

خواجو:

نامورانند و ز نام ایمنند جرعه چشانند و ز جام ایمنند
راه نوردان شکسته قدم راز گشایان فروبسته دم
(روضه‌الانوار، ص ۲۲)

دیده نه و کون و مکان در نظر بال نه و ملک جهان زیر پر
(همان، ص ۲۳)

یافتنم جمله ز گم کردن است شادیم از غایت غم خوردن است
(همان، ص ۷۵)

لب بگشا ای دل و دم بسته دار برگ سفر ساز و قدم بسته دار
(همان، ص ۷۲)

باده پرستند و ز می بی خبر (ص ۲۲)، دست نه و دامن گردون به دست (ص ۲۲)، جمله خموشان حکایت سرای (ص ۲۳)، بی خبر و با خبر از هر چه هست (ص ۲۳)، تیز پر و بی اثر از بال و پر (ص ۲۳)، بوده ز می بی خود و ناخورده می (ص ۲۳) جای تو جایی است که آن جای نیست (ص ۲۷)، بالای پست (ص ۲۹)، مهر فلک کین و نشاطش غم است (ص ۳۴)، این همه داریم و نداریم هیچ (ص ۴۰)، حاصل ما حاصل بی حاصلی است (ص ۴۴)، شادی غم نوش و ز غم شاد باش (ص ۶۵)، نیستی ما همه از هستی است (ص ۷۴)، دامن دل گیر و پی دل مرو (ص ۹۳)...

امیرخسرو:

من به چنین تیره شب تابناک رخت برون بردم از ایوان خاک
(مطلع‌الانوار، ص ۳۳)

تیره شب تابناک

شد به مکانی که مکانی نداشت و ز خودی خویش نشانی نداشت
(همان، ص ۲۱)

تناقض در مصراع اول

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۱۳۱۱

چشم کز و مرد می هست امید نور سیه دارد و ظلمت سپید

(همان، ص ۸۱)

فته محابای بلایی نکرد کرد خطایی و خطایی نکرد

(همان، ص ۱۰۳)

در دو بیت آخر، تناقض در مصراع دوم است.

تنسيق الصفات

این صنعت نیز در روضه‌الانوار کاربرد فراوانی دارد و صفات اغلب به صورت مرکب

هستند؛

خواجو در مدح سلطان شمس‌الدین محمود صاین آورده است:

مهدی دجال کش فتنه سوز هرمز کسری فر کشور فروز

خضر سکندر در موسی بنان حاتم حیدر دل خسرو نشان

شیر پلنگ افکن شمشیر گیر صفدر لشکر شکن شیرگیر

(روضه‌الانوار، ص ۹)

پیر قلندر صفت باده نوش صوفی صافی دل پشمینه پوش

(همان، ص ۷۷)

کاین فلک زرکش زربفت پوش (ص ۳۶)، لاله آتش رخ دل سوخته (ص ۲)، طایر زرین

پرسیمین قفس، گنبد شش روزن پیروزه خشت (ص ۱۴)، مردم دریا دل روشن گهر (ص ۷۰)،

طوطی خوش نغمه دستان‌سرای (ص ۲۰)، بلبل شوریده فریاد خوان (ص ۴۶)، کاین صدف پرگهر

نیلگون (ص ۵۵)، پیر خردپور دانسته کار (ص ۹۱)، نرگس مشکین نفس خوش نظر (ص ۸۷)،

صبح سحرخیز ملمع لباس (ص ۸۶)،...

امیرخسرو:

زین تن روزی خور عصیان گرای دور کن اندیشه کفران نمای

(ص ۱۷)

پیر درون دیده بیرون شناس صرفه نگه داشت سخن را به پاس

(ص ۶۹)

مرد سیاستگر شمشیر گیر ماند در آن حال تحیر پذیر

(ص ۸۹)

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

تنگ دل و ظالم و افسوس‌خوار (ص ۹۳)، مرد درون تیره بیرون سلیم (ص ۱۱۴)، زان ازلی مکتب امی لقب (ص ۱۸).

از جمله صناعات معنوی که در مطلع‌الانوار بیشتر از روضه‌الانوار به کار رفته و سبب ایجاد اختلاف در این دو مثنوی گردیده است، تمثیل یا ارسال مثل و صنعت تجرید است.

تمثیل (ارسال مثل)

سبک امیر خسرو، آمیخته از سبک عراقی و هندی است و یکی از ویژگی‌های سبک هندی نیز استفاده از مثل یا تمثیل در شعر است؛ «بدین گونه که شاعر در یک مصراع، مطلب معقولی را آورده و در مصراع دیگر جهت تأکید و ایضاح مطلب با تمثیل آن را محسوس می‌کند»؛ (رک. شمیسا، ب ۱۳۷۹، صص ۲۹۰-۲۸۷) مثال:

| | | |
|-----------------------------|----------------------------|-----------------------|
| سوز به دل‌های مشوش بود | دود به جایی است که آتش بود | (مطلع‌الانوار، ص ۱۱۲) |
| طالب زر دان ز درون بی‌قرار | در شکم مار بود پای مار | (همان، ص ۷۰) |
| مردمی از مردمیت لازم است | عود که بویش نبود هیزم است | (همان، ص ۸۱) |
| مرد زند از خلفان بانگ کوس | تاج خروس است ز خون خروس | (همان، ص ۸۵) |
| بی خردان را ز نجیبان چه ناز | خر چه کند با شتران پا دراز | (همان، ص ۸۵) |
| ز اهل روش کژ قدامان را مگیر | اسپ کمان پای نپوید چو تیر | (همان، ص ۱۱۷) |
| سخره اگر یافت بلندی مبین | شیر نگردد سگ کرسی نشین | (همان، ص ۱۱۶) |

این صنعت با کثرت فراوان در مطلع‌الانوار به کار رفته است از جمله:

ص ۷۶، ابیات ۱۰ و ۱۱. ص ۸۱، بیت ۲۶. ص ۸۵، بیت ۲۲. ص ۸۶، بیت ۳. ص ۹۱، بیت ۸. ص ۹۲، بیت ۳. ص ۱۰۱، بیت ۱۴. ص ۱۰۴، بیت ۱۴. ص ۱۰۷، بیت ۲۳. ص ۱۰۹، ابیات

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

بررسی و مقایسه ویژگی‌های ادبی در مطلع‌الانوار امیرخسرو دهلوی و ... ۱۵

۱۰، ۱۶، ۲۰. ص ۱۱۰، ابیات ۱، ۱۸. ص ۱۱۲، بیت ۱۱. ص ۱۳۴، بیات ۱۹، ۷. ص ۱۳۹، ابیات ۱۱، ۱۵، ...

تجريد

جلال‌الدین همایی در تعریف این صنعت گفته است: «در بدیع فارسی مرادف خطاب‌النفس است، یعنی متکلم از نفس خویشتن یکی را مانند خود، انتزاع کند و او را طرف خطاب قرار دهد.» (همایی، ۱۳۷۱، ص ۲۹۸) مثال:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| خسرو از اهل رحم ابراء مجوی | قطع رحمرا رحم الله مگوی |
| (مطلع‌الانوار، ص ۸۹) | |
| خسرو اگر دین طلبی از خدای | زین دل خائن به دیانت گرای |
| (همان، ص ۱۰۸) | |
| خسرو اگر زنده دلی زینهار | این نفسی چند به جان زنده‌دار |
| (همان، ص ۱۲۸) | |
| خسرو امان در امرا نیست، خیز | سوی فقیهان خدایی گریز |
| (همان، ص ۵۰) | |
| خسرو من کوش به تیر صواب | تبات شود ترک خدایی خطاب |
| (همان، ص ۶۰) | |

این صنعت در روضه‌الانوار مشاهده نمی‌شود.

نتیجه

با توجه به بررسی و مقایسه‌ای که در ویژگی‌های ادبی مطلع‌الانوار و روضه‌الانوار صورت گرفته است، می‌توان گفت که: تنوع و گسترش آرایه‌های ادبی در روضه‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار است. در میان مسایل علم بیان، تشبیه و استعاره در اشعار خواجه کاربرد فراوانی دارد، وی انواع مختلف تشبیه را با دامنه‌ای وسیع و با شیوه‌ای متفاوت به کار برده است؛ خواجه تشبیهات را با آرایه‌های دیگر در آمیخته و همه را در یک بیت عنوان می‌کند به گونه‌ای که آن بیت ۳ تا ۴ تشبیه را در بر می‌گیرد. و یا تشبیه را با صنعت لَفّ و نشر همراه ساخته و تشبیه ملفوف می‌سازد، اما تشبیهات امیرخسرو، محدودتر و ساده‌تر به کار رفته‌اند. هم‌چنین نوآوری و

❑ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال دوم از دوره جدید ❖ شماره ۸

خلاقیت خواجه در استفاده از برخی صنایع بدیعی معنوی، به ویژه ایهام تناسب، تناقض یا پارادوکس، تنسیق الصفات و پاره‌ای از تلمیحات، سبب استواری و استحکام ساختار ادبی روضه‌الانوار شده است، که خود می‌تواند از امتیازات این منظومه در مقابل مطلع‌الانوار باشد.

اما از طرفی نیز استفاده از تمثیل یا ارسال مثل در مطلع‌الانوار، نه تنها سبب ایجاد اختلاف در شیوه شعری و سبک امیرخسرو شده است، بلکه کاربرد فراوان این صنعت، فهم اشعار وی را آسان‌تر و دلنشین‌تر نیز ساخته است.

شایان ذکر است که هر چند ارزش‌های ادبی روضه‌الانوار بیشتر از مطلع‌الانوار است اما این گفته بدان معنا نیست که مطلع‌الانوار فاقد ارزش‌های ادبی است بلکه این منظومه فقط نسبت به روضه‌الانوار سنجیده شده است، نه با آثار مشابه دیگر.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- ۱- جوزی، مصطفی، «بررسی اصطلاحات موسیقی در دیوان خواجه‌ی کرمانی»، دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره سوم، صص ۴۰ - ۳۳، ۱۳۸۳.
- ۲- حدادی، نصرالله. فرهنگ‌نامه موسیقی ایران. تهران: چاپ اول، نشر توتیا، ۱۳۷۶.
- ۳- خواجه‌ی کرمانی. خمسه خواجه‌ی کرمانی. تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: چاپ اول، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۷۰.
- ۴- دهلوی، امیرخسرو. خمسه امیرخسرو دهلوی. مقدمه و تصحیح امیر احمد اشرفی. تهران: چاپ اول، انتشارات شقایق، ۱۳۶۲.
- ۵- سالاری. امیرخسرو دهلوی و سازهای هندی. آریایی، نشریه هنر موسیقی، ۱۳۸۰.
- ۶- شمیسا، سیروس. بیان و معانی. تهران: چاپ ششم، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۹.
- ۷- شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی شعر. تهران: چاپ ششم، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۹.
- ۸- صباح‌الدین، عبدالرحمن، «ستایش زادگاه در آثار امیرخسرو»، آکادمی شبلی، بی تا، ترجمه محمد منصور عاصمی، نشریه نامه پارسی، سال سوم، شماره ۴.
- ۹- عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: چاپ سوم، دوره دو جلدی، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- ۱۰- گل‌سرخ، ایرج، «موسیقی و افسانه در آثار خواجه و تطبیق آن با شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی»، نخلبند شعرا، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، جلد دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: مؤسسه نشر هما، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.